



# کمونیسٹھا و مسالہ زن

آذرماجدی

www.iran-archive.com

این مقاله در یکی از برنامه‌های  
حزب کمونیست ایران بخش شده است که  
همراه با یک مقدمه و ضمیمه‌ای در شماره  
بخش برنامه حداقل ما و مساله زنان در  
این جزوه بجا می‌رسد .

## مقدمه

یکی از "برکات" اسلام بمثابه روبنای ایدئولوژیک حکومت سرمایه در این شرایط مشخص تاریخی در ایران ، بسط دامنه و ابعاد وعمق ستمکشی زن در ایران است . تشدید ستمکشی زن در ایران ، تقدیس و الوهیت بخشیدن به آن یکی از ابعاد رسالت و کارکرد جمهوری اسلامی در سرکوب و مجازات کارگران ، زحمتکشان و همه ستمدیدگانی است که بخود جرات دادند علیه استبداد سلطنتی سرمایه بپاخورند . اینک نزدیک به ۶ سال پس از قیام بهمن موقعیت زنان در ایران نمونه بیشترین حد تحقیر و ستم بر زنان در سراسر جهان است .

رژیم اسلامی سرمایه زنان را از هرگونه حقوق و امکانات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی لازم برای زیستن بعنوان یک انسان مستقل و برابر با مردان محروم کرده و میکوشد آنان را در چهاردیواری خانه محصور کند ، تنها نقشی که این دیکتاتوری سیاه مذهبی برای زنان در جامعه مقسّر می کند، این است که بنده و عبید پدر، برادر و یا شوهر خود باشند، از شوهر و فرزندان شان تیمارداری کنند ، از حقوق برابر دم زنند و از شرکت فعال در زندگی اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی جامعه محروم باشند، تا بدین ترتیب پایه های ستمکشی و استثمار کارگران و زحمتکشان جامعه تحکیم و تثبیت شود . زیر سلطه این حکومت فاشیستی استثمارگر زنان محکومند در کنج خانه محبوس گردند و تنها آن زمانی به بیرون کشیده شوند که نیازهای ضدانقلابی و استثمارگرانه این دولت سرمایه داری طلب کند .

کارنامه سیاه جمهوری اسلامی در اعمال ستم و بی حقوقی بر زنان و

تحقیر آنها بر هیچکس پوشیده نیست. جمهوری اسلامی ماهیت ارتجاعی و سرکوبگر نظام سرمایه‌داری در اعمال ستم و تبعیض بر زنان را به برجسته‌ترین شکلی به نمایش گذاشته است.

جمهوری اسلامی در این زمینه آن چنان کار را به افراط کشانده است که حتی ابوریسویانهای بورژوازی این رژیم نیز فرصت آنرا یافته‌اند مدعی دفاع از حقوق زن گردند. ما در همین نوشته نشان خواهیم داد که هیچ جناحی از بورژوازی نه می‌خواهد و نه می‌تواند به موقعیت فرودست زنان پایان دهد. اما اگر امروز سلطنت‌طلبان بر این افراط کاریها انگشت می‌گذارند، این تنها پوششی بر موقعیت همیشه تحت ستم زنان در دوران دیکتاتور سلطنتی در ایران است. کارگران و زحمتکشان، تمام انسانهای دموکرات و آزادیخواه تحقیر و ستم شاهنشاهی بر زنان را به یاد دارند. در کنار اینان ما یکبار دیگر "وعده‌های پاریس" در سال ۵۷ را از زبان سخنگویان شورای ملی مقاومت می‌شنویم. اینان اطمینان می‌دهند که "نابرابری زن و مرد را به رسمیت می‌شناسند" و قول می‌دهند که "جمهوری دموکراتیک اسلامی" برای رفع این نابرابری تلاش خواهد کرد. اما آیا زنان، کارگران و زحمتکشان یکبار دیگر فریب این کلی‌بافیها را خواهند خورد و این وعده‌ها را باور خواهند کرد؟ ۵ سال استبداد مذهبی سرمایه‌انبوه تجارب و درسهای لازم برای پاسخ به این سوال را فراهم آورده است. جمهوری اسلامی نمونه‌ای است که نشان می‌دهد که هیچ حکومت مذهبی نمیتواند حق برابری و آزادی زنان را بمثابه انسانهایی برابر با مردان و رها از انقیاد و بندگی به رسمیت بشناسد و آنرا متحقق سازد. این رژیم سمبل تناقض‌آشتی‌ناپذیر بین دموکراتیسم بطور کلی و حق برابری زن و مرد بطور مشخص با ایدئولوژی مذهبی است.

تمام قوانین مذهبی، تمامی آموزشهای مذهبی یا بندگی و انقیاد عین است و یک دولت مذهبی تمام این قوانین و آموزشها را بکار خواهد گرفت تا بندگی و انقیاد زنان را تحکیم و تثبیت کند. و چنین جامعه‌ای که برابری زن و مرد و رهایی زنان را برسمیت نشناسد، جامعه‌ای در بند و سرکوب شده است. جدایی مذهب از دولت یکی از پیش‌شرطهای هرگونسه تحول جدی در موقعیت فرودست زنان است. این برای هر آنکس که مدعی دموکراسی و مبارزه در جهت رهایی زن است در حکم القیاست.

برقراری دموکراسی واقعی و انقلابی در جامعه و تضمین و تحقق

برابری و رهایی زنان با مبارزه طبقه کارگر برای دموکراسی و سوسیالیسم گره خورده است. و حزب کمونیست ایران پرچمدار این مبارزه است، حزبی که در راه رهایی تمام بشریت از بند ستم و استثمار واز بند جهل و خرافات مبارزه می کند. حزب کمونیست، در پیشاپیش پرولتاریای آگاه، تنها نیروی سیاسی است که می خواهد و میتواند برابری و آزادی زنان در جامعه را متحقق و تضمین کند.

جزوه حاضر تلاش می کند تا این واقعیت انکارناپذیر را در سطحی عمیقتر بررسی کند. لذا در اینجا درباره واقعیت ستمکشی زن و در مورد برابری زن و مرد از نظر کمونیستها صحبت می کنیم، پایه های ستمکشی زن در جامعه سرمایه داری را مورد بحث قرار می دهیم و می بینیم که چگونه و چرا مبارزه زنان برای رهایی از ستمکشی با مبارزه طبقه کارگر برای دموکراسی و سوسیالیسم گره خورده است و چگونه حزب کمونیست تنها پرچمدار راستین و پیگیر برابری زن و مرد است.

# گمونیستها و مساله زن

بحث مان را با توضیح مختصری پیرامون مساله زن آغاز می کنیم . آنچه تحت نام " مساله زن " بیان میشود ، وجود ستمگشی زن در جامعه و نقش درجه دوم و فرودست زنان در جامعه است . زنان در جامعه سرمایه - داری تحت ستم و انقیادند ، نسبت به مردان از موقعیت پائین تری برخوردارند ، در زندگی اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی نقش فرودستی دارند . عموماً از نظر اقتصادی به مردان متکی اند ، از امکانات و شرایط برابر اجتماعی برای رشد استعدادها و قابلیت هایشان بی بهره اند و محکوم به پذیرش یک تقسیم کار سنتی میان زن و مرد در اجتماع هستند . تعبیر و تلقی عمومی جامعه از نقش اصلی زنان ، انجام کار خانگی و نگهداری و پرورش فرزند است ، در حالیکه انجام کارهای دیگر اجتماعی از جمله کارهای تولیدی ، اداره جامعه و غیره را عموماً از وظایف مردان میدانند . بطور خلاصه اعمال تبعیض بر زنان و برخورداری از نقش و اعتبار اجتماعی پائین تر آن چیزی است که بعنوان مساله زن مطرح می شود .

در اینجا پیش از اینکه به ادامه بحث بپردازیم ، لازم است سؤالی را پاسخ دهیم که احتمالاً ذهن بسیاری را به خود مشغول می کند :

آیا اصولاً زنان میتوانند با مردان برابر شوند ؟ مگر زنان از مردان ضعیف تر نیستند ؟

آیا اصولاً زنان میتوانند با مردان برابر شوند ؟  
مگر زنان از مردان ضعیف تر نیستند ؟

در پاسخ به قسمت اول سوال باید بگوئیم که بله زنان می توانند به برابری کامل با مردان دست یابند ، به شرط آنکه شرایط اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی ای که لازمه دستیابی به این برابری است بوجود آید ( در مورد این شرایط بعداً صحبت خواهیم کرد ) . اما به قسمت دوم سوال

بپردازیم . اگر اینطور بنظر می رسد که زنان از مردان ضعیف ترند و مخالفین برابری زن و مرد ، بویژه مذهبیین ، همواره این استدلال را پیش می کشند و اعلام میدارند که پس زنان نمی توانند در مصادر رهبری و اداره امور جامعه قرار گیرند و یا فی المثل دوشبه دوش مردان اسلحه بدست بگیرند و بجنگند و غیره ، باید گفت که شرایط اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جامعه زنان را طوری پرورش می دهد که آنان را از دست زدن به هر کاری که سنتا " کار مردان " تعریف شده است ، باز میدارد .

تبعیض و نابرابری میان زن و مرد ، سالیان سال است که بسوسيله شرایط عینی و مناسبات اقتصادی و همچنین از طریق فرهنگ و عقاید و آراء حاکم بر جامعه استمرار بخشیده می شود و آنچنان تثبیت شده که تغییر آن مبارزه ای پیگیر و همه جانبه را طلب می کند .

نظام سرمایه داری برای بقای خود به وجود چنین تبعیضی نیازمند است و لذا حیات عقاید ، آراء و افکاری را که این تبعیض را طبیعی و موجه جلوه میدهد ، دوام می بخشد . نظام سرمایه داری از طرق مختلف ، از آن جمله مذهب و آموزش و پرورش وجود چنین موقعیتی را ازلی - ابدی و کاملا موجه قلمداد میکند و از همان اوان کودکی تقسیم کار موجود در جامعه را که به زن و مرد نقش جداگانه و ویژه خود را میدهد ، در ذهن و فکر هر کودکی تثبیت می کند . بطوریکه هر کودکی از همان ابتدا برمبنای جنسیت خود آموزش و تربیت متفاوتی کسب میکند و این آموزش آنچنان عمیق در جامعه رسوخ کرده است که حتی در بازیهای کودکان هم بروشنی قابل تشخیص است .

در بازیهای کودکانه تعمق کنید . بازیها به دودسته تقسیم میشوند . بازیهای پسرانه ، بازیهای دخترانه . بازیهای پسرانه ، بازیهایی است که امکان رشد و پرورش ذهنی و جسمی در آن بیشتر است . بطور مثال بازی ها و سرگرمیهای پسرانه بیشتر در خارج از خانه در کوچه و خیابان است و یا از نوع سرگرمیهای فکری است . ولی بازیهای دخترانه عموما در یک اتاق بسته و محدود انجام میگیرد . از همان ابتدا پسرها بیشتر با اجتماع بیرون سروکار دارند و دختران با آشپزخانه و رسیدن به خانه و بچه . معمولا دختران اگر امکان آنها داشته باشند که با عروسکی بازی کنند از همان ابتدا سعی میکنند که نقش مادر خود را تقلید کنند و با عروسک خود همان نقشی را که جامعه برایشان در نظر گرفته است ، تمرین

میکنند .

اینگونه آموزشها بشکل خودبخودی و یا آگاهانه از طریق خانواده ، اجتماع و مدرسه نقشهای ویژه و متفاوتی را به دختران و پسران میآموزند و آنها را در نقشهای سنتی تثبیت می کنند . نگاهی به کتب درسی مدارس بخوبی صحت این بحث ما را نشان میدهد .

آموزش خرافات مذهبی هم عینا در خدمت تثبیت همین نقش و تقسیم کار سنتی است . مذهب با تقویت روحیه برتری طلبی در مردان و تقویت روحیه تمکین به موقعیت موجود در زنان کاملا در خدمت حفظ و تثبیت ستمگشی زن عمل میکند .

بطور خلاصه آنچه زنان را از نظر اجتماعی ، تفکر ، شعور ، تخصص و غیره عقبتر نگه میدارد و یا روحیه و ذهنیتی متفاوت به آنها میدهد ، نه سرشت طبیعی و ذاتی به اصطلاح زنانه ، بلکه شرایط اجتماعی ای است که زن در آن پرورش مییابد . لذا با تغییر این شرایط در جهت ایجاد شرایطی یکسان و برابر برای زن و مرد زمینه عینی و ذهنی عقب ماندگی زن از بین می رود و زنان میتوانند در کلیه عرصه ها آزادانه و پایه پای مردان به پیش روند .

### منظور کمونیست ها از برابری زن و مرد چیست ؟

کمونیست ها در پی برابری کامل و همه جانبه زن و مردند ، به چه

شکل :

زمانیکه کمونیستها از برابری کلیه افراد ، صرف نظر از جنسیت ، نژاد ، ملیت و غیره صحبت میکنند ، یک برابری واقعی و اجتماعی و نه صرفا برابری حقوقی را مدنظر دارند . برابری حقوقی در یک جامعه طبقاتی که افراد از همان بدو تولد در شرایط نابرابر قرار دارند و از موقعیت نابرابر برخوردارند ، نمیتواند برابری واقعی افراد را تامین کند . کمونیست ها ضمن دفاع از برابری حقوقی کلیه اعضای جامعه و مبارزه برای کسب این حقوق ، به این نوع برابری اکتفا نمی کنند و برای برقراری آنچنان نظامی مبارزه میکنند که امکانات و شرایط اجتماعی و اقتصادی برابر برای کلیه اعضای آن فراهم باشد . برابری حقوقی کلیه افراد جامعه صرف نظر از جنسیت و نژاد و مرام و غیره در نظر کمونیست



ها تنها یک شرط لازم برای رسیدن به برابری کامل اجتماعی است. کمونیست ها به برابری حقوقی بعنوان وسیله‌ای برای رسیدن به برابری واقعی نگاه میکنند و نه بصورت یک هدف در خود. حال ببینیم که در مورد برابری زن و مرد این بحث بطور مشخص چه معنایی دارد:

از نظر کمونیست ها زن و مرد باید در کلیه شئون اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نه تنها به برابری حقوقی، بلکه به برابری واقعی دست یابند. و این بدان معناست که اولاً کلیه قوانینی که میان زن و مرد تبعیض قائل میشوند، ملغی گردند. بطور مثال زن نیز مانند مرد حق کارکردن و دستیابی به کلیه مشاغل را داشته باشد، در امور مربوط به خانواده زن و مرد از حقوق کاملاً برابر برخوردار باشند، فی‌المثل در امر ازدواج، طلاق و سرپرستی اطفال؛ و همچنین کلیه امتیازات ویژه‌ای که تحت نسام " رئیس خانواده"، قانوناً به مرد تفویض شده است، ملغی گردد؛ و در امور سیاسی نیز زنان همچون مردان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در کلیه عرصه‌ها را بدست آورند.

ثانیاً و بعنوان شرط لازم عملی شدن این حقوق برابر، کمونیست ها خواهان آنند که امکانات برابر اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و آموزشی برای کلیه زنان در جهت پرورش استعدادها و قابلیت‌هایشان و بالابردن سطح آگاهی و شعورشان فراهم گردد.

اما برای اینکه این امکانات بمعنای واقعی کلمه ایجاد گردد و زنان واقعاً امکان دستیابی به برابری را بدست آورند، لازم است کلیه موانع فرهنگی و مذهبی هم از پیش پای زنان برداشته شود. پس لازم است که مبارزه وسیع و گسترده‌ای علیه آراء و افکار و عقاید مردسالارانه که موقعیت پائین تر و تحت ستم زن را موجه جلوه میدهد و همانطور که اشاره کردیم تا بطن جامعه رسوخ کرده است، سازمان داده شود.

علاوه بر تمام اینها زنان بعلت نقش ویژه‌ای که بعنوان مادر بعهده دارند، در نظام سرمایه‌داری با محدودیت‌های بسیاری مواجه میشوند. چرا که نظام سرمایه‌داری در مقابل این مسأله و در مقابل فرزندان جامعه هیچگونه مسئولیت و تعهدی بعهده نمیگیرد و آنرا کاملاً بدوش خانواده میگذارد. به همین علت زنان بسیاری بعلت فقر مالی و یا حتی فرهنگی در موقع زایمان یا جان خود را از دست میدهند و یا دچار ناراحتی‌هایی میشوند که عواقب آن همیشه بر زندگیشان سنگینی میکند. و این در عمل

بدان معناست که اکثر زنان حتی از نظر ادامه حیات خویش نیز با مردان برابر نیستند. از نظر کمونیست‌ها جامعه باید در برابر نقش مادری زنان عملاً مسئول و متعهد باشد، آنرا امر خصوصی زنان نداند و با ایجاد امکانات وسیع و رایگان بهداشتی، درمانی و اجتماعی این محدودیت‌ها و ستمی را که بر زنان در جامعه طبقاتی تحمیل می‌شوند، از بین ببرد. علاوه بر این در جامعه سرمایه‌داری نقش مادری و پرورش‌فرزند محدودیت‌های اجتماعی و اقتصادی‌ای را نیز بر زنان تحمیل می‌کند و موانعی را در مقابل رشد آنها بوجود می‌آورد؛ نظام سرمایه‌داری زنان را بعلت عهده‌دار بودن این نقش و مسئولیت از بسیاری حقوق و امکانات محروم می‌سازد. در جامعه سرمایه‌داری مادر شدن به یک مانع در مقابل دست‌یافتن به برابری حقوقی و اجتماعی زنان بدل می‌شود. و اینها همه بدان جهت است که نظام طبقاتی و استثمارگر سرمایه‌داری امر مادری و پرورش‌فرزند را یک امر خصوصی قلمداد می‌کند.

ولی کمونیست‌ها این مسأله را کاملاً یک مسأله اجتماعی می‌بینند و راه حل‌هایی اجتماعی نیز برای آن ارائه می‌دهند. به همین منظور کمونیست‌ها برای ایجاد و تثبیت امکانات و حقوق ویژه‌ای برای مادران و زنان باردار مبارزه می‌کنند.

اینها بطور خلاصه از اینقرار است: اول زنان باردار بتوانند از مرخصی کافی در دوران قبل و بعد از زایمان برخوردار باشند، بی‌آنکه از حقوق و مزایای خود محروم گردند، در عین حال در کلیه موسسات تولیدی و در محلات، مهد کودک و شیرخوارگاه تاسیس شود، تا زنان بتوانند نوزادان و کودکان خود را به آنها بسپرنند و خود به کار و یا آموزش خویش بپردازند؛ ساعات کار زنانی که دارای نوزاد هستند، بدون کسر حقوق و دستمزد کاهش یابد، تا مادران بتوانند به تغذیه نوزادان خود برسند؛ در کلیه محلات، غذاخوری‌ها و رختشویخانه‌های عمومی ایجاد شود تا بار کار طاقت‌فرسا و خسته‌کننده خانگی از دوش زنان برداشته شود. و از اینطریق در عین حال زمینه تمام توجیهات و بهانه‌هایی که بورژوازی بخاطر مادر شدن، زنان را از حقوق برابر محروم می‌کند، هم از میان برود.

خلاصه کنیم: ما کمونیست‌ها خواهان آن هستیم که زن و مرد از امکانات، شرایط و حقوق برابر برای رشد و پرورش استعدادها و قابلیت

های خود برخوردار شوند و بعنوان انسانهایی مستقل در محدوده شرایط و حقوق اجتماعی حق و امکان تعیین سرنوشت خود را پیدا کنند. ما خواهان آنیم که هر نوع مانع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که رشد زنان و امکان تبدیل شدن آنها به انسانهایی مستقل و برابر را متوقف میسازد و یا کند میکند از میان برداشته شود.

### ★★★

گفتیم که نظام سرمایه‌داری در حفظ موقعیت کنونی زن ذینفع است و از اساس و پایه با برابری و رهایی زنان از بند ستم و انقیاد در تناقض است.

نظام سرمایه‌داری نظامی استثمارگر و طبقاتی است که بر استثمار اکثریت عظیم جامعه بدست‌اقلیتی کوچک بنا شده است. بورژوازی یا طبقه سرمایه‌دار همواره در صدد کسب سود هرچه بیشتر و تحمیل استثمار هر چه شدیدتر بر طبقه کارگر است و مناسبات و روابط اجتماعی در این نظام نیز بر مبنای همین قانونمندی تعیین میشود.

نقش اجتماعی پائین تر زن و نقش نهاد خانواده در جامعه بورژوازی در چهارچوبه همین مناسبات و در خدمت تداوم این مناسبات قرار دارد. در واقع ستمکشی زن در این نظام پیوندی ناگسستنی با مناسبات استثمارگرانه نظام سرمایه‌داری دارد. انجام کارخانگی و مادری، نقش اجتماعی پائین تر و عقب‌افتادگی سیاسی - اجتماعی تبعی زن همگی به حفظ مناسبات استثمارگرانه سرمایه‌داری خدمت میکند. چگونه؟

اولا بورژوازی از موقعیت و نقش فرودست زن در جهت پائین تر نگه داشتن سطح معیشت کارگران و استثمار بیشتر آنها استفاده میکند. زنان در واقع تحت نظام سرمایه‌داری وظیفه آماده کردن شوهر و فرزندان خود را برای دوباره حاضر شدن بر سرکار بعهده دارند.

بورژوازی بمنظور کسب سود هرچه بیشتر، همواره در تلاش آنست که سطح معیشت کارگران را در پائین ترین سطح ممکن نگاه دارد. دستمزدی کسبه بورژوازی به کارگران میپردازد عمدتاً در سطحی است که کارگر قادر باشد انرژی از دست رفته طی یکروز کار را دوباره کسب نماید. نقش خانواده و بویژه نقش زن در اینجا اهمیت خاصی مییابد. ترمیم انرژی و توان کارگران برای دوباره حاضر شدن بر سرکار. مستلزم صرف‌کار و انرژی است. بدین صورت که مواد غذایی باید تهیه و غذا بخته شود، خانه تمیز گردد،

رخت‌ها شسته و وصله شوند و الی آخر، این بدان معناست که در زمانیکه کارگر در کارخانه عرق میریزد و استثمار میشود کسی باید این کارها را انجام دهد. و این وظیفه در جامعه سرمایه‌داری بعهده خانواده و بویژه زن در خانواده قرار دارد. زن بنابر شرایط اجتماعی، برخوردار از نقش پائین‌تر در اجتماع و وجود تقسیم کار سنتی در خانواده عهده‌دار این وظیفه میشود. در واقع در نظام سرمایه‌داری نقش و وظیفه اصلی زن آماده کردن شوهر و فرزندانش برای دوباره حاضر شدن بر سر کار است.

علاوه بر این وظیفه، زنان وظیفه پرورش و مراقبت از نسل جدید کارگران را نیز بعهده دارند. نسل قدیم کارگران باید با نسل جدید جانشین شود. بورژوازی بدون تحمل هیچ هزینه‌ای امر تربیت کارگران جدید را به خانواده و عمدتاً به زن خانواده می‌سپرد. کلیه این خدمات و وظائف بطور رایگان برای بورژوازی انجام میشود. البته در ظاهر امر چنین است که زن از روی عواطف و مهر و عطفیت مادری و عشق به همسر و خانواده این وظائف را انجام میدهد، در ظاهر امر اصلاً بنظر نمیرسد که کار خانگی زن و کار تربیت فرزندانش در خدمت تشبیت و تحکیم حاکمیت سرمایه است. بورژوازی درست بعلافت این دگرگون جلوه دادن نقش خانواده و نقش مادر در جامعه سرمایه‌داری، یعنی پنهان شدن نقش و اهمیت اقتصادی خانواده در زیر پوشش مهر و عواطف بشری است که میتواند برای جانشینان بدون تحمل هزینه‌ای بخشی از کار را به امید خود کارگر و خانواده‌اش رها کند. می‌بینیم که در حالیکه بورژوازی برای تعمیر و مراقبت ماشین آلاتش مقدار مستنابهی هزینه و انرژی صرف میکند، برای مراقبت و نگهداری از کارگران تحت‌استخدامش متحمل هیچگونه هزینه و دردسری نمیشود. بورژوازی بخوبی میداند که خانواده کارگر انجام اینکار را متقبل میشود. در واقع بورژوازی از عواطف و پیوندهای خانوادگی بمنظور تشدید استثمار کارگران بهره‌برداری میکند. لذا می‌بینیم که نقش خانواده در نظام سرمایه‌داری همانا در خدمت حفظ و ابقاء مناسبات استثمارگرانه سرمایه‌داری است.

اما بهره‌برداری بورژوازی از موقعیت اجتماعی پائین‌تر زن به همین امر محدود نمیشود. بورژوازی زنان را بعنوان نیروی کار ارزان بکسار میگیرد و استثمار میکند. زنان علاوه بر کار خانگی، کار اجتماعی نیز انجام میدهند که در این کار نیز از نقش پایین‌تری برخوردارند. پائین

تر بودن نقش زنان در تولید اجتماعی و انجام کار خصوصی خانگی هر دو موقعیت پائین تر زن را تحکیم میکنند. از آنجا که زنان نقش اجتماعی پائین تری دارند، بعنوان یک نیروی کار ارزان در خدمت سرمایه داران قرار میگیرند. زنان یا در ازاء کار برابر دستمزد کمتر دریافت میکنند، که این یا بصورت پرداخت دستمزد رسمی کمتر و یا بصورت عدم برخورداری از برخی مزایا، که در واقع بخشی از دستمزد کارگران است، جلوهگر میشود و یا آنکه در کارهایی که از نظر اجتماع پائین تر محسوب میشوند گمارده میشوند و لاجرم دستمزد کمتری میگیرند. در واقع زنان سه حکم موقعیت اجتماعی خود بالاجبار نیروی کار خود را ارزان تر به یوروژوازی می فروشند. این مساله خود موجب تشدید استثمار کل طبقه کارگر میشود. در واقع متوسط دستمزد زنان در کلیه کشورهای جهان از متوسط دستمزد مردان کمتر است. البته میزان تفاوت دستمزد زنان و مردان در هر کشوری بسته به میزان، شدت و سابقه مبارزه طبقاتی، اتحادیه‌ای و دموکراتیک برای کسب حقوق برابر زن و مرد فرق میکند. در هر کشوری که این مبارزات شدت کمتر و سابقه کوتاه‌تری دارد، استثمار و ستمی که در این جهت بر زنان اعمال میشود آشکارتر و بیشتر است؛ بطور مثال در ایران این مساله با وضوح کامل به چشم میخورد.

دلیل دیگری که یوروژوازی را در حفظ موقعیت کنونی زنان دینفـسع میسازد، این واقعیت است که زنان بخشی از طبقه کارگرانند که یوروژوازی بنا به نیاز خود میتواند هرگاه اراده کرد نیروی کار آنها را استثمار کند و هرگاه دیگر نیازی به کار آنها نداشت، آنها را از کار اخراج نماید. بطور مثال شاهد بودیم که اوایل سالهای ۵۰ زنان بسیاری به کار در خارج از خانه، در کارگاه‌ها، کارخانه‌ها و موسسات تولیدی و غیره جلب شده بودند، ولی در چند سال اخیر که تولید سرمایه‌داری در ایران با بحران روبرو است، زنان بسیاری به بیانه‌های مختلف از جمله عدم رعایت حجاب اسلامی از کار اخراج گردیده‌اند.

البته مساله تنها به جامعه ایران محدود نمی‌شود و در سرتاسر جهان سرمایه‌داری این واقعیت به کرات اتفاق می‌افتد. فی‌المثل در طول جنگ جهانی اول و دوم، در دوره‌ای که مردان طبقه کارگر اروپایی در جبهه‌های جنگ جان خود را فدای منافع امپریالیستی یوروژوازی و دولت‌های یوروژوازی می‌کردند، خیل عظیم زنان در کارخانه‌ها استثمار میشدند. از

جمله در دوره جنگ جهانی اول حدود ۱۵ میلیون کارگر زن شاغل تنها در آلمان وجود داشت. اما پس از پایان جنگ بخش وسیعی از زنان کار خود را از دست دادند تا جای آنها به مردان سپرده شود. در همین دهه اخیر هم که سرتاسر جهان سرمایه‌داری با بحرانی عمیق دست به گریبان است، زنان بیشماری کار خود را از دست داده‌اند و از دست می‌دهند.

زنان به این ترتیب بخش وسیعی از ارتش ذخیره کسار را برای بورژوازی تشکیل می‌دهند. یعنی بخش وسیعی از نیروی آماده بکار را که بورژوازی هرگاه برای کسب سود بیشتر به استثمار نیروی کار آنها احتیاج داشته باشد، آنها را بکار می‌گیرد و در شرایطی که احتیاجی به کار آنها ندارد، از کار اخراجشان می‌کند.

ولی چرا بورژوازی در هنگام بحران، برای تخفیف بحران به نفع خویش اولین هجوم خود را به زنان می‌آورد؟

به دو دلیل روشن: اولاً زنان وقتی کار خود را در خارج از خانه از دست می‌دهند، از نظر جامعه سرمایه‌داری بیکار محسوب نمی‌شوند، آنها در واقع یکی از کارهای خود را یعنی کار مزدی خود را از دست می‌دهند ولی کار خانگی هنوز هست و هیچگاه هم تمامی ندارد. ثانیاً از آنجا که مرد عرقاً "رئیس خانواده"، "سرپرست خانواده" و "نان آور خانه" محسوب می‌شود، اخراج مردان بسیار پردردتر از اخراج زنان است. اخراج مردان خشم عمومی را بیشتر برمی‌انگیزد و میتواند ناآرامیها و مبارزات گسترده‌ای را بدنبال داشته باشد، در حالیکه اخراج زنان چنین تأثیری ندارد. جامعه به این امر خو گرفته است که کار اصلی زنان را کسار خانگی ببیند و اتکاء اقتصادی زنان به مردان را امری طبیعی و ازلی - ابدی. بیکاری زنان بمثابه یک مسأله اجتماعی تلقی نمی‌شود. در هنگام بیکار شدن زنان کمتر این بعد از مسأله که یکی از نان‌آوران و یا در مواردی تنها نان‌آور یک خانواده کارگری کار خود را از دست داده است، در نظر گرفته می‌شود. اصلاً به این مسأله توجه نمی‌شود که با بیکاری زنان این کل طبقه است که با فقر بیشتری مواجه خواهد شد. دقیقاً با استفاده از این ناآگاهی بخش وسیعی از کارگران به منافع طبقاتیشان، با استفاده از تعصبات حاکم در جامعه و با دامن زدن به برتری طبقاتی‌های بخشی از طبقه کارگر است که بورژوازی سهل‌تر و بی‌دغدغه‌تر با عواقب بیکاری وسیع مواجه می‌گردد.

بورژوازی در واقع با استفاده از تعصبات و ناآگاهی های طبقه کارگر، با برتری دادن به بخشی از طبقه در مقابل بخش دیگر بذر تفرقه، تشتت و پراکندگی را در صفوف طبقه کارگر می پراکندد و با استفاده از ایسن حربه به جنگ آن می رود .

این عوامل بعلاوه عقب افتادگیهای سیاسی - اجتماعی تبعی زنان که از موقعیت پائین تر اجتماعیشان و از عدم برخورداری از حقوق و امکانات برابر ناشی میشود، باعث می گردد که بورژوازی با جدایی انداختن در میان طبقه کارگر و قرار دادن منافع آنی یک بخش در مقابل بخش دیگر مبارزات کل طبقه را به شکست بکشد .

تمام این عوامل به بورژوازی انگیزه های قوی برای تلاش در جهت حفظ و بقای وضعیت کنونی زنان میدهد و به طبقه کارگر انگیزه های قوی برای مبارزه علیه آن و تغییر شرایط موجود .



ریشه ستمکشی زن را مختصراً بررسی کردیم . دیدیم که چگونه نظام سرمایه داری از اساس با برابری و رهایی زنان در تناقض است و چگونه ستمکشی زن با حفظ و بقای این نظام استثمارگر و طبقاتی پیوند دارد . رهایی زنان از بند انقیاد و ستم با مبارزه طبقه کارگر برای دموکراسی و سوسیالیسم گره خورده است و تنها از این طریق به پیروزی واقعی خواهد رسید . برای دستیابی به برابری واقعی و امحاء ستمکشی زن باید این نظام را از بیخ و بن ریشه کن کنیم و نظام دیگری را بر ویرانه های آن بنا نماییم . نظامی که مبتیاً بر استثمار و فقر بخش وسیعی از افراد جامعه ، بلکه بر تاملین نیازهای اقتصادی و اجتماعی کلیه افراد و آحاد جامعه قرار داشته باشد، نظامی که نه بر تحمیق و جهل اکثریت جامعه ، بلکه بر رشد و اعتلاء شعور، توانایی ها و استعداد های کلیه اعضا جامعه استوار گردد . بنا و استقرار این نظام یعنی نظام سوسیالیستی ، تنها به دست پر توان طبقه کارگر امکان پذیر است . نظام سوسیالیستی و دولت کارگری نه تنها هیچگونه نفعی در ابقای موقعیت کنونی زن در جامعه ندارد ، بلکه دقیقاً خواهان امحاء این موقعیت پست تر و تحسنت انقیاد زنان است . نظام سوسیالیستی نه تنها کلیه نابرابریها و تبعیضات قانونی میان زن و مرد را از میان میبرد ، بلکه امکانات و زمینه های

ضروری رشد آنها و دستیابی به برابری اجتماعی واقعی را فراهم میسازد، تنها راه مبارزه قطعی برای رهایی زنان سرنگونی نظام استثمارگر و طبقاتی سرمایه‌داری و برقراری دیکتاتوری پرولتاریا و نظام سوسیالیستی است.

این حقیقت‌انکار ناپذیر که رهایی واقعی زنان تنها در سوسیالیسم امکان پذیر است، اصلاً به آن معنا نیست که ما برای هر یک از حقوق پایمال شده زنان و بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی زنان در چهارچوب همین نظام مبارزه نمی‌کنیم. درست برعکس، ما معتقدیم که یکی از ابزارهای رسیدن به رهایی واقعی، یکی از راههای تسهیل و پیشبرد مبارزه طبقاتی طبقه کارگر، مبارزه برای کلیه حقوق قانونی زنان در تمام عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در چهارچوب همین نظام است و درست به همین دلیل حزب کمونیست ایران در بخش حداقل برنامه خود مطالبات بسیاری را به برابری قانونی زنان، رفع تبعیض جنسی در تمام عرصه‌ها و نیز حتی ایجاد امکاناتی برای آزاد کردن انرژی و وقت زنان زحمتکش و سبک کردن بار طاقت‌فرسای کار خانگی از دوش آنان اختصاص داده است، خواست‌ها و مطالباتی که در چهارچوب نظام سیاسی تعریف شده در برنامه حزب کمونیست ایران، یعنی جمهوری دموکراتیک انقلابی قابل تحقق است. حزب کمونیست ایران اعلام داشته است که در صورت استقرار رژیم جمهوری دموکراتیک انقلابی بلافاصله این مطالبات و اقدامات را به منابه قوانین کشوری اعلام و تثبیت خواهد کرد.



## ضمیمه :

### بخش حداقل برنامه ما و مساله زن

در بخش حداقل برنامه حزب کمونیست ایران علاوه بر حقوق سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی عمومی که شامل کلیه افراد کشور میشود ، بندهایی نیز که اصولاً و یا بطور عمده به حقوق زنان و یا وضعیت اجتماعی - اقتصادی آنها مربوط میشود ، گنجانده شده است . البته کلیه بندهای برنامه حداقل ، از آنجا که در دموکراتیزه کردن جامعه و بهبود رفاه اقتصادی کارگران و زحمتکشان تاثیراتی مستقیم دارد ، بالطبع در زندگی زنان نیز تاثیرات بسیاری خواهد داشت . هر چه ساخت سیاسی جامعه دموکراتیک تر باشد و هرچه کارگران و زحمتکشان از رفاه بیشتری برخوردار باشند وضعیت زنان نیز بهتر خواهد بود . ولی علاوه بر اینها بندهایی در برنامه وجود دارد که بطور ویژه تغییر و بهبود در موقعیت زنان را هدف دارد و یا بندهایی که اگر چه عمومی هستند تاثیرات بلافاصله ای بر موقعیت اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی زنان بعنوان قشر محروم جامعه دارند .

ما در اینجا آن بندهایی را که مربوط به حقوق زنان و یا موقعیت زنان در جامعه میشود و همچنین چند بند دیگر را که به کلیه افراد کشور مربوط است ولی تاثیرات مستقیم و بلافاصله بر وضعیت اجتماعی - اقتصادی و یا سیاسی زنان دارد همراه با توضیحات مختصری به چاپ میرسانیم . حزب کمونیست ایران در ابتدای بخش حداقل برنامه خود اعلام کرده است که " جمهوری دموکراتیک انقلابی ( یعنی آن نظام سیاسی ای که حزب کمونیست ایران بعنوان یک هدف سیاسی فوری به آن می نگرد ) باید بلاد رنگ کلیه اقدامات و مطالبات سیاسی ، اقتصادی و رفاهی بخش حداقل این برنامه را بعنوان رئوس اصلی قانون اساسی ، قانون کار دموکراتیک و قوانین مربوط به رفاه اجتماعی اعلام نماید و بمرور اجرا بگذارد . "

#### ● جدایی کامل مذهب از دولت

یکی از مطالباتی که در بخش حداقل برنامه حزب کمونیست ایران مطرح شده ، جدایی کامل مذهب از دولت است . در شرایط کنونی ارتبساط تنگاتنگ این مطالبه با تحقق حقوق دموکراتیک زنان روشن است . نگاهی کوتاه به نقش مذهب در تحکیم ، تشبیت و تداوم ذهنیت و فرهنگ مسرد

سالارانه در قبال نقش زن در اجتماع ، بویژه استفاده جمهوری اسلامی از مذهب برای پایمال کردن حقوق دموکراتیک ، رواج و اشاعه تعلیمات مذهبی تعصبات و خرافات مذهبی نقش مهم و تعیین کننده مذهب در ابقاء ستمگشی زن را آشکار میکند . هیچ نیروی سیاسی بدون دفاع از مطالبه جدایی مذهب از دولت نمیتواند مدافع حقوق دموکراتیک زنان باشد . بسدیسن ترتیب اهمیت اعلام این مطالبه در رابطه با کسب حقوق دموکراتیک زنان روشن میشود .

جدایی کامل مذهب از دولت در ضمن بمعنای لغو هرگونه مواد درسی و آئین مذهبی اجباری در مدارس و موسسات تعلیم و تربیت دولتی و لغو پرداخت هرگونه کمکهای مالی و غیرمالی دولتی به فعالیتهای و موسسات مذهبی نیز هست . این دو وجه مطالبه جدایی کامل مذهب از دولت ، بویژه در کاهش نقش مستقیم مذهب در تداوم و تثبیت فرهنگ و ذهنیت مردسالارانه و ارتجاعی در مورد نقش زن در جامعه و خانواده و برداشتن یک مانع بزرگ ذهنی و فرهنگی در مقابل برقراری حقوق برابر زن و مرد نقش مهمی ایفا میکنند .

● حق رای همگانی ، برابر ، مستقیم و مخفی برای تمام افراد بالاتراز

۱۶ سال ، اعم از زن و مرد ، حق هر فرد بالاتراز ۱۸ سال برای انتخاب

شدن در هر نهاد و ارگان نمایندگی ؛

این مطالبه بدین معناست که زنان مانند مردان میتوانند در کلیه عرصه های سیاسی و قانونگذاری کشور فعالانه شرکت کنند ، به نمایندگان خود رای دهند و در صورت تمایل و کسب آراء کافی در کلیه مصادر سیاسی و قانونگذاری کشور قرار گیرند .

● برابری زن و مرد در کلیه حقوق قانونی و لغو هرگونه تبعیض قانونی

براساس جنسیت ؛

مطابق این بند کلیه قوانینی که در مورد زنان تبعیض قائل میشوند و مردان را در مقام ممتاز یا برتر قرار میدهند لغو خواهد شد و زن و مرد از حقوق برابر در تمام عرصه های اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی برخوردار خواهند بود .

● مزد برابر زنان و مردان در ازاء کار برابر ؛

- ممنوعیت سپردن کار سنگین به زنان باردار، ۱۶ هفته مرخصی دوران بارداری و زایمان برای زنان کارگر بدون کسر حقوق و مزایا، مقرر شدن دو روز مرخصی ماهانه اضافی برای زنان با پرداخت حقوق و مزایای کامل؛
- کاهش روز کار مادران شیرده به ۷ ساعت شامل دو نوبت تنفس و استراحت نیم ساعته در فواصل حداکثر سه ساعته؛

● تامین نیازهای رفاهی و فرهنگی در محیط کار و محلات سازمانی مسکونی از قبیل: سالن اجتماعات، سالن استراحت، غذاخوری، حمام و دستشویی، زمین و سالن ورزش، شیرخوارگاه و مهد کودک، درمانگاه، کتابخانه و کلاسهای سوادآموزی بزرگسالان به هزینه کارفرما و دولت؛

۴ بند فوق حقوق اقتصادی زنان را تامین میکند. زنان کارگر دیگر مجبور نخواهند بود که با تحمل مشقت فراوان تا آخرین روزهای بارداری از ترس از دست دادن ممر درآمد خود بکار مشغول باشند. در ضمن بدین ترتیب زنان میتوانند بدون نگرانی در مورد طفل خود، فرزندان شان را به شیرخوارگاه و یا مهد کودک بسپارند و بموقع به امر تغذیه آنها رسیدگی کنند.

- بیمه بیکاری مکفی بر پایه حداقل دستمزد برای هر فرد بیکار بالای ۱۸ سال؛

● قرار گرفتن کلیه کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال که فاقد تامین معیشتی و رفاهی از طریق خانواده می باشند، تحت تکفل دولت و همچنین تامین زندگی و رفاه معلولین و سالخوردگان توسط دولت؛

- آموزش رایگان در کلیه سطوح و برای کلیه افراد؛ اجباری بودن آموزش تا سن ۱۸ سال؛
- بدین ترتیب زنان بدون نگرانی از تامین اقتصادی زندگیشان قادر

خواهند بود که به آموزش و تعلیم و تربیت خود بپردازند؛ در ضمن این مطالبات وابستگی اقتصادی زنان به مردان را که در جامعه کنونی پیش فرض گرفته شده است، تا حدود زیادی از میان می‌برد، چرا که زنان نیز در صورت عدم اشتغال قادر خواهند بود از بیمه بیکاری استفاده کنند و در سنین بالا نیز زندگیشان تا مین خواهد گشت.

● ایجاد تسهیلات فرهنگی و رفاهی در تمام مناطق محروم، اعم از شهری و روستایی از قبیل برق، تلفن، لوله کشی آب آشامیدنی، حمام، راه، مدرسه، درمانگاه، ورزشگاه، سالن اجتماعات و غیره به هزینه دولت؛

● ایجاد موسسات خدماتی ویژه بمنظور کاهش بار خانگی، از قبیل رختشویخانه، غذاخوری، مهد کودک، شیرخوارگاه و غیره در محلات مسکونی؛

این دو بند تاثیر مهم و تعیین کننده‌ای در سبک کردن بار کارخانگی از دوش زنان، بویژه زنان کارگر و زحمتکش و زنان روستایی خواهد داشت؛ بدین ترتیب زنان امکان و فرصت آنرا خواهند یافت که به آموزش و تربیت خود بپردازند و در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه نقش فعالتری داشته باشند.

● بهداشت و درمان ملی رایگان و مناسب برای کلیه افراد و اتباع کشور؛ انحلال طب خصوصی و معاینه اجباری سالانه و منظم تمام افراد و اتباع کشور؛

● ممنوعیت ازدواج دختران و پسران کمتر از ۱۸ سال و آزادی تمام افراد بالاتر از ۱۸ سال در تشکیل خانواده به اراده خود، برسمیت شناخته شدن ازدواج از طریق ثبت در دفاتر دولتی؛ ممنوعیت تعدد زوجات، برابری حقوق زن و مرد در امر طلاق و تکفل فرزندان؛

www.iran5.com  
کامران جهان مستند شوید!

از انتشار حزب کمونیست ایران

---